



عوامل سریال مرهم با حضور در روزنامه «جام جم» از چالش ها و نکات تولید سریالی با حال و هوای زندگی طلبه‌های جوان گفتند

◀ صفحه ۸

سفری

با طعم بهار

در آستانه بهار ۱۴۰۴، برخی مقاصد جذاب گردشگری در ایران چهارفصل را معرفی کرده‌ایم

◀ ۱۰ |



داستان یک تحول

در مرز

سریال شب‌های قدر تلویزیون با نام «مرز» قصه متفاوتی را پیش چشم مخاطبان قرار خواهد داد

◀ ۲۱ |



سحرنشینی

در ایوان نجف

برنامه سحرگاهی شبکه دو از حرم امام علی^(ع) با تمرکز بر نیابت در زیارت و مفاهیم قرآنی همراه مخاطبان است

◀ ۶ |



📌 زاویه دید

به بهانه برگزاری دیدار رضانی شاعران با رهبر معظم انقلاب، گریزی به این مراسم سراسر ادبی زده‌ایم

دوران اوج گیری شعر فارسی

که در این مراسم به شعرخوانی پرداختند می‌توان به محمدعلی مجاهدی و علیرضا قزوه اشاره کرد. مجاهدی، این شاعر پیشکسوت شعری ولایی را تقدیم کرد که با استقبال گرم رهبر انقلاب نیز مواجه شد که در زیر به بخشی از شعر ایشان اشاره می‌شود:
گر در ولای آل علی صرف می‌شود/ از خیر عمر بگذر و بگذار بگذرد/ ای‌کاش این دوروزه باقی ز عمر نیز/ در صحبت ائمه اطهار بگذرد/ امشب بیا به پرسش پروانه‌ای عزیز/ زان پیش‌تر که کار وی از‌کار بگذرد.

دیگر شاعری که در این مراسم شعر خود را تقدیم کرد، علیرضا قزوه بود. او شعری را با الهام از مکالمه بی‌سیم شهیدان مهدی باکری و احمد کاظمی ارائه کرد که با واکنش احساسی رهبر نیز همراه شد.

در بخشی از شعر قزوه آمده است:

احمد کجایی؟ کاش اینجایی شدی ای‌کاش/ یک‌دم شریک محفل ما می‌شدی ای‌کاش/ احمد در اینجا چیزهایی تازه می‌بینم/ از من دمی گرم تماشا می‌شدی ای‌کاش/ احمد بیایی سیم مهدی از نفس افتاد/ مهدی شفیع محشر ما می‌شدی ای‌کاش/ اسفند روز بیست‌وپنجم سال ۶۳/۴۰ سال رفت ای‌کاش پیدای شدی ای‌کاش.

📌 مراسمی به وسعت زبان فارسی

این مراسم نکات برجسته‌ای را در خود داشت که هرکدام می‌توانند موضوعی برای یک گزارش مستقل باشند. یکی از این نکات، حضور شاعران غیرایرانی اما فارسی‌زبان بود که نشان‌دهنده نفوذ و جایگاه زبان فارسی به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. یکی از این شاعران سیدعلی‌اصغر حیدری از هندوستان بود که شعری درباره امام خمینی(ره) خواند. شعری که در بخشی از آن آمده است: دشمنانش بی‌نشان گشتند واو جاوید ماند/ از تبار نوراز جنس شهیدان بود امام/ جرأت اظهار حق باید از او آموختن/ بحر تقوا، ابر رحمت، کوه ایمان بود امام.

📌 بسترى برای تقویت شعر متعدد

دیدار سالانه رهبر معظم انقلاب با شاعران نه‌تنها فرصتی برای تبادل نظر میان ایشان و جامعه ادبی کشور است، بلکه بستری برای تقویت جایگاه شعر متعدد در فرهنگ ایرانی - اسلامی فراهم می‌آورد. بیانات رهبر انقلاب در این دیدار بار دیگر اهمیت تقوا، معرفت، و ارتقای کیفی آثار ادبی را برجسته ساخت. همچنین حضور شاعران جوان نشان‌دهنده امیدواری به آینده شعر فارسی است؛ آینده‌ای که می‌تواند شاهد ظهور قله‌های جدید در ادبیات باشد.

در شب ولادت کریم اهل بیت(ع)، امام حسن مجتبی(ع)، جمعی از شاعران جوان و پیشکسوت ایرانی و فارسی‌زبان غیرایرانی، به همراه اهالی فرهنگ و ادب فارسی، در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی گرد آمدند. این دیدار که شامگاه بیست‌وپنجم اسفند برگزار شد، به سنت دیرینه‌ای تبدیل شده که هرساله در نیمه ماه مبارک رمضان انجام می‌شود و فرصتی برای تعامل میان جامعه ادبی با رهبری را فراهم می‌آورد.

📌 شعر به مثابه یک رسانه

این مراسم با اقامه نماز مغرب وعشاء به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آغاز شد. پس از نماز و صرف افطار، شاعران حاضر به قرائت اشعار خود پرداختند. اجرای این جلسه بر عهده مرتضی امیری اسفندقه و علیرضا قزوه بود. مطابق روال معمول، شاعران پیشکسوت آغازگر شعرخوانی بودند و سپس شاعران جوان نیز آثار خود را ارائه کردند. همچنین رهبر معظم انقلاب در این دیدار، ضمن ابراز خرسندی از رشد شعر متعدد و انقلابی، نکات مهمی درباره جایگاه شعر فارسی، نقش شاعران در جامعه، و ضرورت ارتقای کیفیت اشعار مطرح کردند. ایشان شعر را هنری یگانه دانستند که هیچ رسانه دیگری نتوانسته جایگاه آن را تضعیف کند و افزودند افزایش تعداد شاعران خوب و پیشرفت شعر همواره مایه خرسندی است، اما باید کیفیت اشعار نیز ارتقا یابد. رهبر معظم انقلاب با اشاره به احترام اجتماعی بالای شاعران در دوره کنونی، این دوران را فرصتی مناسب برای ظهور قله‌های جدید شعر فارسی دانستند. ایشان زبان کنونی شعر فارسی را زبانی بی‌سابقه توصیف کردند که حاصل دوران انقلاب اسلامی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند که باطن شاعر تأثیر مستقیمی بر کیفیت سروده‌های او دارد. ایشان از شاعران خواستند که با پایبندی به تقوا و مبانی معرفتی، اشعاری پاکیزه‌تر و ژلال‌تر خلق کنند. رهبر معظم انقلاب ضمن تأیید جایگاه شعر عاشقانه در سنت ادبیات فارسی، بر حفظ عفت و نجابت در این نوع اشعار تأکید کردند. ایشان هشدار دادند که نباید اجازه داد شعر عاشقانه به بی‌پروایی یا بی‌حیایی آلوده شود و شاعران را به بهره‌گیری از مفاهیم اجتماعی برجسته زمان حاضر دعوت کردند. همچنین بیان مفاهیم توحیدی، معرفتی و حکمت‌آمیز را از ویژگی‌های ارزشمند اشعار دانستند.

📌 تنوع محتوا در اشعار

در این مراسم، شش شاعر جوان و پیشکسوت اشعار خود را با موضوعات متنوع دینی، اجتماعی، سیاسی و عاشقانه قرائت کردند که برخی مورد تحسین ویژه رهبر انقلاب قرار گرفت. ازجمله شاعرانی

📌 یادداشت

دکتر محمد جعفر محمدزاده/ پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

زمین و زبان؛ مؤلفه‌های بنیادین هویت ملی

اساس تمدن‌های بزرگ بشری بر «اندیشه» استوار است؛ بخش عمده‌ای از پیشرفت انسان و تمدن‌سازی او مرهون «زبان» است. انسان با بهره‌گیری از خرد خود توانسته بیندیشد و اندیشه‌هایش را با زبان بیان کند، با دیگران به اشتراک بگذارد و در تعامل با اندیشه‌های دیگران پرورش دهد. تمدنی که بر پایه اندیشه بنا نشود، احتمال ایجاد آن اندک است و حتی اگر به فرض محال چنین تمدنی شکل بگیرد، ناپایدار خواهد بود. از این‌روست که حیوانات چون از توانایی تفکل و اندیشیدن برخوردار نیستند، تمدن‌ساز نمی‌شوند. «زبان» پدیده‌ای اجتماعی و تمدن، محصول فکر جمعی و اندیشه‌شخته انسان است. اندیشه تمدن‌ساز از رهگذر زبان به تفاهم ذهنی و سپس زبانی و کارکردی منجر می‌شود. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن‌های بشری، «هویت اجتماعی» است که در ابعاد گسترده‌تر به «وحدت ملی» تعبیر می‌شود. آرمان‌ها، آرزوها، باورها، فرهنگ مشترک و عدالت اجتماعی از ارکان اصلی وحدت ملی است، اما تحقق وحدت ملی بدون «زبان ملی» و مشترک و در «جغرافیای ملی» دشوار است. زبان، آرمان‌های یک ملت را به هم پیوند می‌دهد و «آرمان ملی» می‌سازد. برای ملتی با پیشینه تمدن کهن مانند ایران، در کنار زبان‌های محلی، «زبان ملی» همواره نقش محوری داشته است؛ این نقش به‌ویژه در موقعیت سرزمینی ایران که باتنوع زبان‌های قومی و محلی روبه‌روست، اهمیت بیشتری دارد زیرا زبان‌های قومی از یک‌سو سرچشمه‌های زاینده‌ای برای غنای زبانی و در نتیجه تبادل اندیشه‌اند و از دیگر سو گویشوران این زبان‌ها می‌کوشند تا با زبان ملی به درک مشترک از منافع ملی برسند که این کوشش خود وحدت‌آفرین است. «وحدت ملی» حتما مؤلفه‌های دیگری نیز دارد ولی برای ایران که هزاران سال با زبان مشترک و ملی در جغرافیای ایران زمین ریسته و آن را تجربه کرده‌اند، ممکن است متأخرتر باشد. «دین» در ایران همواره مؤلفه‌ای ملی بوده و پیوند دین و تمدن، از دوره باستان تا ظهور «اندیشه ایرانی مسلمان»، واقعیتی تجربه‌شده و تکاملی است؛ «مذهب» نیز از دوره صفویه به یکی از مؤلفه‌های ملی ایران تبدیل شده و از آن زمان تاکنون نقش مهمی در وحدت ملی و استمرار ایران داشته است. در دوره‌ای که «امویان» و «عباسیان» یا «غزنویان» و «سلجوقیان» بر ایران حکومت می‌کردند، هویت ملی ایرانیان در زبان زنده شکل گرفت و منشا تحول و تمدن دوباره و «ایرانی و اسلامی» شد و همین زبان در دوره اسلامی با تولید محتوای ارزشمند و انبوه پیوند عمیقی با دین برقرار کرد. از دوره صفویه به این‌طرف پادشاهان صفوی هویت ملی ایران را بر سه عنصر «زمین» یا تمامیت ارضی ایران، «زبان» ملی، میانجی و فراگوشی و دین اسلام و «مذهب» تعریف و تقویت کردند. نقش «دین» در باورهای اعتقادی، معطوف به امت‌سازی است و ارتباط آن با ملیت کم است؛ شاهد سخن آن‌که در اطراف ایران، همسایگانی مسلمان داریم که در دین و حتی مذهب با ما اشتراک دارند، اما در «هویت ملی»، «وحدت و انسجام ملی» و به‌ویژه «منافع ملی» با ما تعارض دارند و کم پیش آمده که با ما همراه باشند حتی به ضرورت منافع شان گاهی در صف دشمنان ما بوبه‌اند؛ ولی ایرانیان اعم از شیعه و سنی و اقلیت‌های قومی مانند ارمنه، کلیمیان و آشوریان هزاران سال است که به سبب «زبان مشترک»، «پایبندی به «جغرافیای مشترک»، ایرانی بودن، خداباوری و خردورزی و از دوره اسلامی (مسلمان بودن) به ضرورت تحکیم پایه‌های وحدت ملی باور دارند. با تأکید دوباره بر دو رکن مهم هویت ملی یعنی «زبان» و «سرزمین» یادآوری این نکته ضروری است که اشتراک زبانی مانند اشتراک در دین نه «ملیت مشترک» می‌سازند و نه حتی «قومیت مشترک». زبان در کنار دیگر مؤلفه‌های ملی، رکن مهمی از هویت ملی است؛ در جغرافیای سیاسی جهان امروز ده‌ها کشور وجود دارند که زبان همه یا بخش‌هایی از آنها با هم مشترک است ولی در منافع ملی با هم تعارض دارند، همانگونه که بیش از ۲۰ کشور در جهان به زبان «اسپانیایی» سخن می‌گویند، که هیچ‌کدام نه در ملیت و نه در منافع کشور «اسپانیا» نیستند، زیرا جغرافیای مشترک ندارند و فهم مشترکی از وحدت ملی و سرزمینی و منافع ملی نیز ندارند.

📌 یادداشت

محمد تقی فہیم / نویسنده

فیلم‌سازی که دیگر نمی‌شناسیم!!

باور کردنی نیست که فیلم «کاناپه» را «کیانوش عیاری» ساخته باشد. الا این‌که در تیتراژ نام کارگردان پیشکسوت سینما خودنمایی می‌کند، به قول معروف «اصالتو کت آدم نمی‌رود» که سازنده فیلم‌هایی چون تنوره دیو، شب کزدم، بودن و نبودن و حتی آبادانی‌ها، به فیلمی تا این حد ضعیف و غیرقابل باور برسد. فقط وقتی باور می‌کنیم که می‌دانیم «عیاری» در سال‌های متاخر چنان وارد حاشیه‌های غیر سینمایی و پیروی از کنشگری‌های شبه سیاسی (چوزده) شده است که فراموش کرده سینما قبل از هر فعل و شعار و داد و بیدادی، باید از قواعد ساخت فیلم برخوردار باشد. عیاری در مقطع ساخت کاناپه بیش از هر چیز اسیر رویکردهای غیر سینمایی شد به طوری که با کلاه‌گیس بر سر بازیگرانش روی صندلی کارگردانی نشست، بنابراین مشکل از همین جا شروع شد. او به جای کار روی فیلمنامه‌ای چفت و بست‌دار و واجد قصه‌ای کامل و با کشمکش‌های دراماتیک، همه هم و غم خود را معطوف به لحاظ کردن حاشیه‌های غیر سینمایی کرد. توجه نداشت که «خانه از پای بست ویران است…» طبیعی بود که در فضای ذهنی جدید او، هنر و فیلم خوب، جایش را به اداهای شبه روشنفکرانه بدهد. سینما پدیده‌ای بی‌رحم است. دقت کنید آقای کارگردان ظاهر می‌خواسته فیلمی در راستای استیفای حقوق قشری از زنان بسازد اما چون به جاده خاکی زده، اتفاقاً اثرش در بستر به توهین و تحقیر جامعه زنان ختم شده است. چون پرداخت شخصیتی پشت فیلم نبوده است، همه زنان فیلم بی‌شناسنامه، زرد و به شدت سطحی شده‌اند. واقعا این اندازه از ابتذال و سقوط شاید فقط در ملودرام‌های درجه سه هندی پیدا شود. تجربه گذشته نیز نشان می‌دهد هر فیلم‌سازی از دایره سینما خارج شده و به ورطه شعارسرایي و شعورزدایی افتاده است، نتیجه‌ای جز از دست دادن سینما و مخاطب به‌دست نیاورده است. پیش‌تر هم شاهد وضعیت فیلم‌سازان خوب دیگری بوده‌ایم که در بهترین موقعیت سینمایی با ورود به کنشگری شبه سیاسی، دیگر نتوانسته‌اند فیلم خوب بسازند. عیاری حتی به خودش هم رحم نکرده است چون اگر این‌طور بود باید از روی دست خودش عکسبرداری می‌کرد که در این صورت متوجه می‌بود که چرا فیلم‌های قبلی‌اش، به‌رغم پیروی از حجاب متعارف ولی باورپذیرند، خصوصا فیلم «بودن و نبودن» که با محوریت کار (کتری) از جامعه اقلیت‌های مذهبی قصه‌سازی شده است (و در اغلب فصل‌های فیلم دختر حضور دارد) اما چون پرداخت سینمایی خوبی دارد به شدت باورپذیر است. حالا با اثری مواجه هستیم که نه فیلم است تا باورش کنیم و نه سازنده‌اش را دیگر می‌شناسیم. آیا عیاری «آخرین محبوب سینمایی» خواهد بود که با تبری جستن از اصول دراماتیک و افتادن به محیط ناامن حاشیه‌ها قربانی می‌شود، یا باز هم با افسوس‌هایی از این دست روبه‌رو خواهیم بود؟ بعدالتحریر یکی از اتفاقات حاشیه‌ساز یک‌ماه پایان سال، پخش و توزیع غیر قانونی فیلم کاناپه ساخته کیانوش عیاری بود که با واکنش، این کارگردان مبتنی بر تقاضای عدم کپی و تماشاوی فیلم از سوی مردم روبه‌رو شد. نگارنده نیز چند روزی در شنیش و بش این قضیه بودم، ولی با بررسی جزئیات همه جوانب امر، خصوصا پخش آن در یوتیوب، به این نتیجه رسیدم که نمی‌توانسته بدون اشاره دست‌اندرکارانش (خصوصا تهیه‌کنندگان) کلید خورده باشد. علاوه بر اینها، وقتی به دلیل نبودن قانون کپی‌رایت همه ما (از جمله خود عیاری) از همین بازار و سازوکار داندلود فیلم، منتفع می‌شویم و مثلا آثار «نولان»، «اسکورسزی» و … را می‌بینیم، بنابراین در کلیت داستان، برای دیدن فیلم کارگردان داخلی (به ویژه که توزیع عامدانه آن جدی است) نباید اسیر شعارهای پوپولیستی یا دچار چالش وجدان شویم. اما طبیعا است که در این قضیه با حمایت از تهیه‌کنندگان فیلم، خواهان پیگیری مسئولان مربوطه هستیم تا شاید دیگر شاهد چنین سرمایه‌سوزی‌هایی نباشیم.